

یک نکته، یک نظر

پلاسمای سرد



احمدشیرزاد

بعضی وقت‌ها از اینکه یک فیزیک‌پیشه هستم از دست خودم کلافه می‌شوم. در مسیر اصفهان به تهران (روز ۱۴ مرداد) از رادیو یک خبر شنیدم که سازمان انرژی اتمی ایران دستگاه پلاسمای سرد ساخته و آن را در اختیار کلینیک‌های درمان زخم در چند بیمارستان دولتی قرار داده است. دستشان درد نکند؛ تا اینجاپیش این نوع خبرها خوشحال‌کننده است. اما جمله‌ای که رفت روی اعصاب من این بود که آقای اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، در حاشیه مراسم اهدای این دستگاه به بیمارستان فارابی اصفهان گفته‌اند: «فناوری پلاسمای سرد که با تلاش دانشمندان هسته‌ای کشور بومی‌سازی شده و به نتیجه رسیده، درمانی مؤثر برای زخم‌های مزمن محسوب می‌شود.» نسبت‌دادن فناوری تولید پلاسمای سرد به «تلاش دانشمندان هسته‌ای» عوامانه‌ترین حرفی است که می‌توان از فردی در موقعیت ایشان شنید. فیزیک‌دان‌ها و مهندسان زیادی در سازمان انرژی اتمی ایران کار می‌کنند که لزوماً دانشمند هسته‌ای نیستند. اصولاً تمام کارهایی که این سازمان انجام می‌دهد ارتباط مستقیمی با فناوری هسته‌ای ندارد. این رازی نیست که از آقای مهندس اسلامی پوشیده باشد. اما امثال ایشان چه ضراری دارند که هر دستاورد فناورانه را به فناوری هسته‌ای نسبت دهند و آن را نتیجه تلاش دانشمندان هسته‌ای به حساب آورند؟ به لحاظ علمی، تولید پلاسمای سرد بر اثر تخلیه الکتریکی فرایندی در مقیاس اتمی است که هیچ دخلی به فرایندهای هسته‌ای ندارد و طی آن، هسته‌ها دست‌خوش هیچ تحولی نمی‌شوند. شاید خواننده کم‌حوصله بگوید ای‌بابا، حالا چه فرقی دارد اتمی باشد یا هسته‌ای! جهت اطلاع عرض کنم که زمین تا آسمان توفیر دارد. جماعتی که این قبیل کارها مثل فناوری پلاسم‌ا را انجام می‌دهند، نمی‌توان فیزیک‌دان هسته‌ای به حساب آورد. مگر قرار است هر دانش‌پیشه‌ای در زمینه فیزیک را دانشمند هسته‌ای به شمار آورد؟ متأسفانه به عمد یا سهو تلاش می‌شود هر دستاوردی در زمینه‌های مختلف فناوری را (که در جای خود ممکن است بشود به آنها افتخار کرد) به فناوری هسته‌ای نسبت دهند.

منکر دستاوردهای هسته‌ای کشور نیستم، اما چه دلیلی دارد تولید پلاسمای سرد را به این سیاهه اضافه کنیم؟ این را هم بگویم که با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی می‌توان دریافت که تولید دستگاه پلاسمای سرد منحصر به سازمان انرژی اتمی ایران نیست و چندین شرکت دانش‌بنیان نیز در این زمینه کار کرده‌اند، به‌طوری‌که دستگاه‌هایشان به مرحله تولید صنعتی نیز رسیده است. راستش را بخواهید، به نظر نمی‌رسد مقیاس کار در سطحی بوده که معاون رئیس‌جمهور بایشن مراسم بگیرد و در آن چیزهایی بگوید که دور از انتظار است.

گزارش

برگزاری نشست گرامیداشت محاصره نظامی کشمیر در سفارت پاکستان در تهران

تأملی بر نقض حقوق بشر کشمیر



شرق: نشست محاصره نظامی کشمیر با حضور شهروندان پاکستانی و دانشجویان در سفارت پاکستان در تهران برگزار شد. سفارت پاکستان در تهران، ۱۴ مردادماه ۱۴۰۴ نشستی را به مناسبت «محاصره نظامی کشمیر» در محل سفارت این کشور در تهران برگزار کرد. در این مراسم شماری از شهروندان پاکستانی، دانشجویان و نمایندگان رسانه‌ها حضور داشتند. این نشست همچنین با حضور اسنادانی همچون قاسم صافی برگزار شد. این استادان در سخنرانی خود به مبارزات مردم کشمیر در دستیابی به حق تعیین سرنوشت‌شان تأکید کردند. عصمت حسن سیال، کاردار سفارت پاکستان، در این مراسم گفت: رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران توجه بسیاری به مبارزات کشمیر داشته‌اند و بارها از جامعه جهانی خواسته‌اند سکوت خود را در مورد نقض حقوق بشر در جامو و کشمیر بشکنند.

او از رهبر انقلاب ایران در حمایت از مسلمانان کشمیری و همچنین از رسانه‌ها و خبرنگاری‌های ایران در طرح جنبش کشمیر و برجسته‌سازی نقض گسترده حقوق بشر در کشمیر اشغالی تشکر و قدردانی کرد. معاون سفیر پاکستان افزود: کشمیری‌ها از اکتبر ۱۹۴۷ در معرض خشونت قرار گرفته‌اند. جامعه جهانی با انتخاب مجدد پاکستان به‌عنوان عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از تلاش‌های این کشور به‌عنوان پرچمدار حقوق بشر قدردانی کرده است. او ادامه داد: پاکستان همواره از رهبران جهان، جامعه بین‌الملل ازجمله سازمان ملل متحد و کلیه سازمان‌های حقوق بشر خواسته تا هند را ملزم به توقف بی‌رحمانه زور علیه مردم کشمیر کند و این مسئله را به صورت دیپلماتیک و تحت منشور شورای امنیت سازمان ملل متحد حل‌وفصل کند.

در ادامه این نشست، پیام محمد شهباز شریف، نخست‌وزیر و همچنین آصف علی زرداری، رئیس‌جمهور پاکستان، به مناسبت این روز قرائت شد. رئیس‌جمهور پاکستان در پیام خود به مناسبت این روز اعلام کرد مردم کشمیر نمی‌توانند آزادی‌های بیان و تجمع خود را به‌طور کامل اعمال کنند و از همه مهم‌تر، قادر به تحقق حق مسلم خود در تعیین سرنوشت‌شان نیستند. آصف علی زرداری در ادامه پیام خود گفت: مردم کشمیر با خطر تبدیل‌شدن به جامعه‌ای فاقد قدرت در سرزمین خود روبه‌رو هستند.

عبدالرحمن فتح الهی؛ در آستانه عبور از یکی از پرتلاطم‌ترین بزنگاه‌های منطقه‌ای، یعنی جنگ تحمیلی ۱۲روزه‌ای که محور عبری-غربی علیه ایران به راه انداخت، اکنون کشور در موقعیتی استاده است که بیش از آنکه تحت فشار مستقیم نظامی یا تحریمی باشد، با تهاجم روانی و رسانه‌ای تمام‌عیاری مواجه است که می‌کوشد بنیان‌های سیاست، دیپلماسی و اقتصاد جامعه را دست‌خوش تزلزل کند. اگرچه توان راهبردی جمهوری اسلامی در کنترل میدانی بحران و حفظ انسجام جبهه داخلی تا حد درخور توجهی کارآمد بوده است، اما مؤلفه‌های نوین جنگ شناختی که بر ترس، نااطمینانی و بی‌ثبات‌نمایی تمرکز دارند، در تلاش‌اند با تزریق بی‌اعتمادی، نشانه‌هایی از فروپاشی اقتصادی و بی‌افقی اجتماعی را برجسته‌کنند. در این میدان جدید، عدد و رقم‌های اقتصادی دیگر فقط شاخص‌های عینی نیستند، بلکه تأثیر روانی آنها، نحوه بازنمایی‌شان در شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای ارکانی‌شان در افکار عمومی است که می‌تواند روندها را تشدید یا کنترل کند. کاهش امید عمومی به بهبود، حتی در صورت وجود سیاست‌های اصلاح‌گرایانه و از همه مهم‌تر بیم تجاوز مجدد یا سایه سنگین زیاده‌خواهی اروپا، ذیل تهدید مداوم به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، می‌تواند به تضعیف قدرت چانه‌زنی در عرصه دیپلماسی منجر شود و ظرفیت تاب‌آوری اقتصادی را کاهش دهد. از این منظر، مسئله اصلی صرفاً «مدیریت دخل و خرج» نیست، بلکه چگونگی مدیریت برداشت‌های عمومی، کنترل موج‌های رسانه‌ای مخرب و بازسازی اعتماد ملی در شرایط جنگ ترکیبی است. آینده نزدیک ممکن است نه با فروپاشی، بلکه با «فرسایش تدریجی» تهدید شود؛ تهدیدی که اگرچه خرنده است، اما می‌تواند بنیان‌های تصمیم‌سازی و راهبردهای کلان را با اختلال مواجه کند. از همین‌رو، راه برورفت نه در انکار وضعیت شکننده فعلی، بلکه در بازتعریف روایت‌های ملی، بازآفرینی امید عمومی و نوسازی افق‌های مشترک اقتصادی و سیاسی است. از این‌رو و برای واکاوی دقیق‌تر میزان اثرگذاری مؤلفه‌های روانی بر فضای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک کشور، به گفت‌وگو با حسین راغفر بنشسته‌ایم تا از منظر این استاد دانشگاه برداشت بهتری از شرایط جاری کشور داشته باشیم. متن پیش‌رو مشروح گپ‌وگفت با این استاد اقتصاد سیاسی است.

●●●

جناب راغفر، می‌خواهم فتح باب این گفت‌وگو از یکی از مصاحبه‌های قبلی با حضرت‌عالی باشد که درباره موضوع فروپاشی اقتصادی از شما سؤال کردیم و در پاسخ عنوان داشتید که از نظر علم اقتصاد تا زمانی که کشور بتواند دخل و خرج خود را مدیریت کند، گزاره فروپاشی اقتصادی دور از واقعیت است. اما با توجه به معاللات پسا‌جنگ و به‌ویژه تأثیرگذاری مخرب مؤلفه‌های روانی بر حوزه سیاست، دیپلماسی و متخصاً اقتصاد و معیشت، اساساً ما در نقطه‌ای قرار داریم؟ آیا کمابان فروپاشی را دور از واقعیتی می‌دانید؟

اینکه ما بگوییم در چه نقطه‌ای قرار داریم به پارامترها و عوامل بسیار زیادی بستگی دارد. اما در کل باید اذعان کرد اکنون کشور در همه زمینه‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط خوبی قرار ندارد. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم من و سایر دوستان از سال‌ها پیش هشدارها و اخطارهای لازم را داده بودیم که کشور به این نقطه نرسد و این بحرانی که اکنون کشور را در همه زمینه‌ها گرفتار کرده است، امر غیرقابل پیش‌بینی نبود؛ چراکه محصول سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سال‌ها و دهه‌های گذشته است.

یک پاسخ مشخص از شما می‌خواهیم؛ کشور در چه نقطه‌ای قرار دارد؟

پاسخ من این است که ما با یک بحران ساده مواجه نیستیم، بلکه با یک بحران تودرتو مواجه هستیم. وقتی مشخصاً در بخش اقتصادی، کشور از رویکرد غیروملد در دهه‌های گذشته به سیاست‌های سوداگرآیانه و سفته‌بازی روی می‌آورد، معلوم است که نتیجه آن شرایط فعلی است. از این‌رو می‌گویم بحران تودرتو که باید در نظر داشت مسئله صرفاً اقتصاد نیست، بلکه تأثیر مستقیم تصمیمات سایر نهادها بوده که در یک جنبه آن، شرایط کنونی را برای اقتصاد به وجود آورده است. از طرف دیگر با بحران انرژی، کمبود آب و مسائل دیگر مواجه هستیم. شرایط کنونی و به قول شما سایه دو موضوع کلیدی فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها و همچنین احتمال جنگ و تجاوز مجدد رژیم صهیونیستی و حتی آمریکایی‌ها به کشور وجود دارد. پس مسئله صرفاً یک بحران یک‌بعدی نیست؛ ما با یک بحران تودرتو مواجه هستیم. این بحران‌ها از همدیگر تغذیه می‌کنند؛ یعنی هر بحران، بحران دیگر را تشدید می‌کند و در این سال‌ها بارها و بارها به اشکال مختلف این جمله کلیدی تکرار شده است که ادامه وضعیت به‌هیچ‌وجه ممکن نخواهد بود. اما از همین‌تریبون روزنامه «شرق» می‌گویم بعد از تجاوز اخیر صهیونیست‌ها و آمریکا، کشور وارد فضایی شده است که در شکنندترین حالت خود قرار دارد و به معنای واقعی کلمه ادامه مسیر گذشته و اداره کشور با سیاست‌های سال‌ها و دهه‌های قبل غیرممکن است و متأسفانه در طول این مدت این واقعیت تلخ به عینی‌ترین شکل ممکن و ملموس‌ترین حالت خود را نشان داده است. به همه ثابت شد که ادامه این وضعیت قابل دوام نیست.

برخی با کلیدواژه تغییر پارادایم، قائل به شکل جدیدی از تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هستند؟
تا اینجا‌ی کار که واقعاً خبری از تغییر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها نیست و می‌بینید که ما به شکل یومیه کشور را اداره می‌کنیم و به دنبال مدیریت اتفاقات و در نهایت شوک‌درمانی هستیم.

این را هم در نظر داشته باشیم که کشور در شوک یک جنگ تحمیلی قرار دارد.

اتفاق نکته همین‌جاست که باید هرچه سریع‌تر کشور را از حالت شوک ناشی از تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا خارج کرد. اما به‌جای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی درست و به قول شما تغییر پارادایم، چه اتفاقی افتاده است؟ دوباره همان سیاست‌های سابق، کمالینکه می‌بینید در همین فضای تعلیق و ابهام که احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و جنگ دوباره صهیونیست‌ها وجود دارد، خودروسازان چگونه قیمت احساس خود را بالا برده‌اند یا در بخش دیگر، می‌بینید چگونه قیمت سیمان نجومی افزایش پیدا کرده یا در اقلام خوراکی، چگونه قیمت محصولات لبنی، نان یا برنج افزایش پیدا کرده است. اینها به کنار، اکنون در همین فضای عدم تثبیت و تعلیق و شوک ناشی از تجاوز اخیر، دوباره موضوع حذف چهار صفر از واحد پول ملی را مطرح می‌کنند. پس اینجا متأسفانه باید بگویم یک سوءاستفاده از فضای شوک و عدم تثبیت در کشور شکل گرفته است.

چگونه؟
به هر حال سوءاستفاده‌کنندگان می‌دانند اکنون جامعه در شوک ناشی از تجاوز اخیر صهیونیست‌ها و آمریکا قرار دارد و حافظه ذهنی‌شان از مسائل قبلی خالی شده و دغدغه‌های جدیدی پیدا کرده‌اند. پس در همین وضعیت مبهم و تعلیق، دست به این تصمیمات می‌زنند؛ وگرنه در حالت عادی و طبیعی کشور، هرکدام از این اتفاقاتی که قبل‌تر اشاره کردم، با واکنش جدی جامعه روبه‌رو می‌شد. اکنون سوءاستفاده‌کنندگان می‌دانند که دغدغه و تمرکز مردم به مسائل دیگر است و فضا برای این اقدامات مخرب را مناسب می‌بینند و من به شما می‌گویم که تک‌تک این اقدامات خیانت است. سوءاستفاده از اعتماد مردم خیانت است. اینکه اکنون مردم به دلیل نگرانی از احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا احتمال جنگ دوباره از برخی موضوعات اصلی غافل شده‌اند و در عوض برخی مافیها و دلالت این‌گونه دست به تصمیم‌گیری و افزایش قیمت‌ها می‌زنند، خیانت است. درمی‌سی که با آن درک درست خود از شرایط، در همان تجاوز ۱۲روزه نقشه‌کودتا را خنثی کردند و حتی خود مسئولان و تصمیم‌گیران به این آگاهی و درک بالای مردم اذعان داشتند و آن را ستودند، کشور را حفظ کردند. اما اکنون چه می‌شود؟ چرا باید از این وضعیت عدم تثبیت و فضای روانی سوءاستفاده و در حق همین مردم خیانت کرد؟

شما می‌بینید که در مقام عمل، هم در زمینه جبران آسیب‌های تجاوز اخیر صهیونیست‌ها و آمریکا و هم در زمینه افزایش قیمت‌های کالاها‌ای اساسی و همچنین در پاسداشت و احترام به این درک بالای مردم، چگونه با آنها رفتار می‌شود. اینجااست که باید این سؤال مهم را پرسید که مسئولان چگونه توقع و انتظار دارند که کمابان جامعه در هر شرایطی از آنها حمایت کند؟ چگونه انتظار دارند حتی به نام ملیت، ملی گرائی و به نام ایران بخواهند از سیستم تصمیم‌گیری جاری حمایت کنند؟ اجازه دهید از زاویه دیگری مسئله را بررسی کنیم. این جنگ فقط به خانه‌های مردم، کارخانه‌ها، تأسیسات و مراکز هسته‌ای و نظامی ضربه نزد. در همین یک ماه یا دو ماه گذشته، ما پنج میلیون پیک‌موتوری داشتیم که کارشان را از دست دادند، ضمن اینکه ما هشت میلیون راننده اینترنتی داریم که همه یا بخشی از درآمد خودشان را از این راه به دست می‌آوردند. اغلب آنها الان بیکار شده‌اند. ضمن اینکه بحران آب و برق هم بسیاری از شغل‌ها را در این مدت از بین برده است و در چنین شرایطی انتظار می‌رفت و می‌رود که اتفاقاً دولت کمک‌های جدی به این بخش از جامعه انجام بدهد که نیاز مبرمی به حمایت دارد.

شما در کشورهای اروپایی با آمریکا دیدید در این دست مواقع، مانند کرونا، دولت چگونه به اقشار آسیب‌پذیر بارانه و کمک بلاعوض داد. حالا باید از دولت ایران پرسید که چرا در شرایط کنونی این دست اقدامات را برای حمایت از این مردم ندارند؟ درمی‌سی که در بحرانی که کوچک‌ترین دخالت یا نقش‌آفرینی در آن نداشتند؟ چرا بخش کوچکی باید از این بحران تودرتو در ایران به‌راحتی به سوده‌های هنگفت برسد، کمابان که واسطه منافع‌شان کشور را در مسیر گذشته نگه دارند، اما تاوان و هزینه سنگین آن بر دوش مردم باشد؟ اتفاقاً شما که به پارامترهای روانی اشاره می‌کنید، باید به این بُعد قضیه هم بپردازید و نگاه کنید که از نظر روانی، جامعه اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟ واقعاً اکنون از نظر روانی برای مردم سؤال بسیار جدی به وجود آمده است که چرا هزینه این جنگ، عدم قطعیت‌ها، تصمیم‌گیری‌های اشتباه، سوءاستفاده از شوک ناشی از جنگ رژیم صهیونیستی و آمریکا و سایه احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها یا جنگ دوباره را فقط آنها بپردازند؟ به هر حال این موضوع مهم و غیرقابل کتمان وجود دارد که سیاست‌های گذشته فقط فشار روی اقشار ضعیف به وجود نیآورده و فقر تولید نکرده، بلکه خائن، جاسوس، مزدور و یک طبقه سوءاستفاده‌کننده شکل داده



نگاهی به تأثیرگذاری مؤلفه‌های روانی بر فضای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک کشور در گفت‌وگو با حسین راغفر

ادراک مردم، طرح صهیونیست‌ها را ناکام گذاشت

است و اتفاقاً اینجااست که می‌بینید چگونه رژیم صهیونیستی و آمریکایی‌ها روی این طبقه قربانی‌شده سیاست‌های گذشته سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

اگر بخواهم مصداق‌ی‌تر درباره تغییر رفتار، تغییر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و تغییر پارادایم حرف بزنیم، اولویت با چه اقدامی است؟ یعنی اگر حضرت‌عالی تصمیم‌گیر بودید، به شکل مشخص چه کاری را انجام می‌دادید؟

من معتقدم راه‌حل وجود دارد، به دنبال راه نایشیم.

می‌خواهم از حسین راغفر بپرسم که راه‌حل شما چیست؟
راه‌حل، بازگشت به اصل قانون اساسی است که برای همه مردم یک مسکن و سرپناه شایسته، آموزش و پرورش مناسب، آموزش عالی رایگان، سیستم بهداشت و درمان استاندارد و به‌روز و همچنین فرصت برای ایجاد اشتغال را به‌عنوان وظایف دولت تعیین کرده و بر آن تأکید شده است و جالب اینجااست که دقیقاً در شرایط کنونی بعد از جنگ، درست عکس آن را می‌بینیم. اکنون صنعت و بخش مولد کشور که باید دست به ایجاد شغل بزند، به واسطه بحران برق یا یک ابربحران مواجه است. برای مثال در خراسان، تأسیسات و شهرک‌های صنعتی و کارخانه‌ها باید سه روز در هفته از هشت صبح تا ۲۴ برق نداشته باشند. خوب، نتیجه آن چیست؟

تیجه این تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات نامناسب، تعطیلی این بنگاه‌ها، افزایش بیکاری، تشدید فشار اقتصادی بر جامعه و مردم و خانواده، رکود و تورم است. واقعاً برای من جای تعجب دارد که چرا باید این‌گونه عمل کرد؟ گویی که مسئولان و تصمیم‌گیران یا هیچ درک واقع‌بینانه‌ای از شرایط و بحران‌های جاری کشور ندارند یا آنکه اهمیتی به آنها نمی‌دهند.

با این توصیفی که شما از شرایط کشور بعد از جنگ تحمیلی اسرائیل و آمریکا داشتید، یک نگاه رو به جلو هم داشته باشید. با توجه به همین پارامتر روانی و نگرانی جامعه از جنگ مجدد احتمالی یا فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تا چه حد کشور ضربه‌پذیر و درعین حال ضربه‌گیر است؟

متأسفانه باید اذعان کرد که در این سال‌ها با این تصمیماتی که گرفته شده است، از توان و پتانسیل ضربه‌گیری ما کاسته شده و به همان اندازه، متأسفانه ضربه‌پذیر شده‌ایم. به‌ویژه در همین یکی، دوماهه بعد از جنگ، با توجه به نکاتی که عنوان کردم، بر شدت ضربه‌پذیری ما افزوده شده است. اما هنوز زیر نیست. من معتقدم اگر تصمیمات درست، مانند آن چیزی که عنوان کردم و رجوع به اصل قانون اساسی انجام شود، می‌توان ضربه‌پذیری را کاهش و ضربه‌گیری را ارتقا داد. باید قدرت ضربه‌گیری کشور در کمترین‌س زمان افزایش پیدا کند تا بتوان خود را برای بحران‌های پیش‌رو آماده کرد. باید ریل این اقتصاد، ریل این سیاست، ریل این دیپلماسی و در کل ریل این تصمیم‌گیری و این نوع اقدامات تغییر پیدا کند. باید به اصل مردم رجوع کرد، نه اینکه فقط منافع برخی خواص تأمین شود. اگر این مسیر تغییر نکند، واقعه مردم به‌شدت آسیب‌پذیر خواهند بود و کشور هم ضربه‌پذیر خواهد شد.

یک تناقض در تحلیل شما وجود دارد. از این بابت که اگر فوری‌ترین راه‌حل، از منظر حسین راغفر، بازگشت به اصل قانون اساسی و ایجاد مسکن و سرپناه شایسته، آموزش و پرورش مناسب، آموزش عالی رایگان، سیستم بهداشت و درمان استاندارد و به‌روز و همچنین فرصت برای ایجاد اشتغال به‌عنوان وظایف دولت تعیین شده، اما در همین شرایط باید گفت که کشور در شرایط جنگی و تحریم قرار دارد و اجرای این اقدام به یک وضعیت طبیعی و منابع مالی نیاز دارد، ضمن اینکه یک کشور نباید در نبود قطعیت با نگرانی بابت جنگ مجدد و نظایر آن باشد.

هیچ تناقضی وجود ندارد. اولاً منابع لازم وجود دارد. پول هست و به اندازه کافی همه هست، اما بنایی برای خرج‌کردن آن برای مردم وجود ندارد. ضمن آنکه ما قبل‌تر این تجربه را داشته‌ایم. مگر در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، دولت همین کارها را انجام نداد؟ مگر در همان دهه اول انقلاب و با وجود جنگ تحمیلی، تحریم‌ها، فشارهای سیاسی و دیپلماتیک و بسیاری از بحران‌ها، کشور اداره نشد؟ یا وجود آنکه تمام دنیا در پشت صدام قرار داشت، ما کشور را اداره کردیم و اهداف آنها ناکام ماند. چرا؟ چون از یک سو مردم واقعاً با دولت همراه بودند و از سوی دیگر، سیاست‌های عمومی دولت هم روی خود مردم تمرکز داشت و برای رفاه آنها بود. درحالی‌که همین دولت با مقله جنگ هم طی هشت سال دست‌وپنجه نرم می‌کرد. در همان مقطع و با وجود جنگ، دولت آموزش و پرورش رایگان، آموزش عالی رایگان، بهداشت و درمان رایگان و ایجاد میلیون‌ها مسکن از طریق شرکت‌های تعاونی را در دستور کار قرار داد که در کمک مردم و کمک‌های بارزانه‌ای انجام می‌شد.

اما امروز کشور به صورت یومیه اداره می‌شود و هم‌زمان هم شاهد شوک‌درمانی هستیم. در همین یکی، دوامه می‌بینید قیمت نان، برنج، لبنیات، سیمان، آهن و دیگر کالاها و اقلام، در همین شرایطی که جامعه با نگرانی از جنگ تحمیلی و ترس از جنگ احتمالی پیش‌رو مواجه است، افزایش پیدا کرد و این خیانت به اعتماد مردم است که مردم اکنون به دلایل مختلف، نگرانی‌های جدی‌تر دیگری دارند و این فضا سبب شده تا برخی به دنبال سوءاستفاده باشند و قیمت‌ها را افزایش دهند.

آرامه‌در صفحه ۳

خبر

نماینده کلیمیان در مجلس در توضیح آخرین وضعیت کلیمیان بازداشت‌شده اتهام جاسوسی از تمامی بازداشت‌شدگان تهران رد شد

درحالی‌که همایون سامه‌یح، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، دهم تیرماه گذشته از دستگیری تعدادی از کلیمیان ایرانی به دلیل برگزاری جشن خانوادگی غیرمجاز خبر داده و هرگونه اتهام جاسوسی را رد کرده بود، چند روز پیش در گزارشی تلگرامی گفته که اتهام جاسوسی از دستگیرشدگان در تهران رفع شده است. به گزارش خبرآنلاین، در میانه و پس از جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل برخی خبرها از دستگیری تعدادی از شهروندان یهودی در ایران به اتهام جاسوسی خبر دادند. پس از این اخبار، همایون سامه‌یح، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، دهم تیرماه در توضیحاتی علت دستگیری این کلیمیان را برگزاری جشن‌های خانوادگی غیرمجاز دانست و گفت این افراد در شرف آزادی هستند و دستگیری آنها هیچ ارتباطی با جاسوسی ندارد. همایون سامه‌یح حالا در گزارشی که اخیراً در کانال تلگرامی خود منتشر کرده، در اتهام جاسوسی را تأیید کرده و نوشته است: «با افتخار اعلام می‌دارم که در پی نشستی دوساعته با جناب آقای دکتر تقوی، رئیس محترم دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم تهران، توافق شد که سه نفر از پنج هم‌کیش بازداشت‌شده با قرار وثیقه‌ای سبک آزاد شوند». این نماینده مجلس دوازدهم افزود: «در رابطه با ۱۱ نفر بازداشت‌شده در استان البرز، خوشبختانه هفته گذشته [دو هفته گذشته] پنج نفر از بانوان با پیگیری‌های مستمر اینجانب با قرار وثیقه آزاد شدند. همچنین، سه نفر از آقایان چند روز پیش از بازداشت رهایی یافتند». این نماینده مجلس دوازدهم همچنین اعلام کرد: «اتهام جاسوسی از تمامی بازداشت‌شدگان تهران رد شد». سامه‌یح در ادامه خبر داده بود که نشستی هم با نوروزی، رئیس دادگستری استان البرز، «درخصوص وضعیت سایر بازداشت‌شدگان برگزار خواهد شد. امیدواریم با ادامه همکاری‌ها، مشکلات باقی‌مانده این عزیزان نیز به‌زودی مرتفع شود [نتیجه این ملاقات نیز متعاقباً به اطلاع جماعت محترم خواهد رسید]». او در ادامه افزود: «درخصوص یک هم‌وطن بازداشت‌شده در شیراز، اینجانب به همراه رئیس محترم انجمن کلیمیان شیراز با جدیت پیگیر موضوع هستیم و امیدواریم به‌زودی شاهد نتایج مثبت باشیم. تمامی این دستاوردها، نتیجه تلاش‌ها و پیگیری‌های جدی و مستمر اینجانب و همکاری بی‌وقفه و ارزشمند ضابطین محترم قضائی، مسئولین قوه قضائیه، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، نهادهای امنیتی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و سایر ارگان‌های مربوطه بوده است». او در پایان ابراز امیدواری کرده که «با ادامه این پیگیری‌ها و همکاری‌های بین‌نهادی، امیدواریم هرچه سریع‌تر شاهد آزادی تمامی بازداشت‌شدگان و حل کامل این مسائل باشیم». در گزارش دومی که همایون سامه‌یح در کانال تلگرامی خود منتشر کرده و مربوط به چهار روز پیش می‌شود، نوشته است: «به اطلاع می‌رساند در ادامه پیگیری‌های مستمر برای آزادی هم‌کیشان بازداشت‌شده، پس از ملاقات با جناب آقای دکتر نوروزی، معاون محترم دادگستری استان البرز، نامه‌ای خطاب به ایشان تنظیم و به معاونت جرائم خاص و رئیس محترم دادگستری استان البرز ارجاع شد. در نتیجه این پیگیری‌ها، دو نفر باقی‌مانده از هم‌کیشان بازداشت‌شده در استان البرز با قرار وثیقه آزاد شدند و بدین‌ترتیب، تمامی بازداشت‌شدگان این استان آزاد شدند». او در ادامه گزارش دوم خود افزود: «مذاکرات برای آزادی سایر بازداشت‌شدگان در تهران و شیراز همچنان با جدیت در جریان است و امیدواریم به‌زودی شاهد نتایج مثبت در این زمینه باشیم». همایون سامه‌یح در پایان آورده است: «از تمام مقامات محترم، به‌ویژه ضابطین قضائی، مسئولین قوه قضائیه، نهادهای امنیتی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و سایر ارگان‌های مرتبط که در این امر با ما همکاری داشتند، صمیمانه سپاسگزارم». این نماینده مجلس دوازدهم دهم تیرماه با تأکید بر اینکه شایعات منتشرشده توسط رسانه‌های معاند مبنی بر جاسوسی برخی از اعضای جامعه کلیمیان کاملاً نادرست است، گفته بود: «مردم باید هوشیار باشند و به این اخبار کذب توجه نکنند».